

علی بابا چاهی

هوش و حواس گل شب بو
برای من کافی ست



فهرست

- ۱۱ مریخی‌ها
- ۱۳ هرکس به جایی
- ۱۶ امکان دارد
- ۱۹ چه واقعیتی؟
- ۲۲ گیرم که ثابت شد
- ۲۴ چیزی که سنگ شد
- ۲۶ کاتب بی صورت
- ۲۹ گفتنش مشکل است
- ۳۱ این هم شدنی‌ست
- ۳۳ اسمش گوشه‌گیری بود
- ۳۶ از خودش خیلی جدا شده
- ۳۹ سیاه پوستانا
- ۴۲ مجازات که نه
- ۴۵ قابل پیش‌بینی نبود
- ۴۸ آخرش چی شد؟

۱۰۷	ضربه کاری
۱۰۸	این طوری
۱۰۹	این ماجرا
۱۱۰	چیزهای نشنیده
۱۱۲	به من چه؟
۱۱۴	کدام حوصله؟
۱۱۶	معلوم نیست
۱۱۸	برای مردن فرصت زیاد است
۱۲۰	تعجب ندارد
۱۲۳	قابل دفاع است
۱۲۵	خلافی ۱
۱۲۶	خلافی ۲
۱۲۸	با هرگز هم می‌سازم
۱۳۰	خریدار پرویا قرص
۱۳۲	این حرف حساب
۱۳۴	جدی نگیرید
۱۳۶	مجسمه‌سازی
۱۳۸	حکیم بشو نیست
۱۴۰	مانور
۱۴۲	لاف
۱۴۴	آدم مشکل
۱۴۶	این هم شد کار؟
۱۴۸	چه دیوارهایی

۵۱	آهو و یک آهوی دیگر
۵۴	زندگی هندسی
۵۶	این طوری همین طوری
۵۹	حسادت به تابلوی نقاشی
۶۱	از سفیدی کاغذ می‌ترسید
۶۳	این حکایت
۶۵	آدم آتش‌نشانی
۶۷	دفاعیه
۶۹	این نقطه ثقل
۷۱	این مخفی‌کاری نیست
۷۴	هم عالمی دارد
۷۷	این دنیای شوخ و شنگ
۸۰	شیون یک‌بار
۸۳	اندر ستایش رازداری
۸۵	این صدا چه گناهی دارد
۸۸	قاتل معصوم
۹۱	گول نخوردن
۹۴	لابد حدس می‌زنید
۹۷	میکرب‌بازی
۹۹	که بشود چی؟
۱۰۱	معما که حل گشت
۱۰۳	این رابطه
۱۰۵	این چه نوع قاتلی است؟

به مخاطب نیازی ندارم
هوش و حواس گل شب‌بو
برای من کافیست

- خرابکاری ۱۵۱
- این یک چتر معمولی است ۱۵۲
- اندر آداب بزرگی ۱۵۵
- کابوس ۱ ۱۵۷
- کابوس ۲ ۱۵۹
- کابوس ۳ ۱۶۱
- کابوس ۴ ۱۶۲
- این بن بست ۱۶۶
- یک نوع اشتباه ۱۶۸
- آبی هم رنگیست ۱۷۰
- اسلاف ما مهربان بودند ۱۷۲
- هندسه بازی ۱۷۵
- شعرک‌های شب‌بویی ۱۷۷
- شب‌بو در حاشیه ۲۰۷
- شعر مؤلف، صلح مؤلف ۲۰۹

مریخی‌ها

در مریخ قهوه خوردن با ماه در آب افتاده
و ماهی ماده اکیداً ممنوع است!
از ماهی اگر برهنه شود نه گشته می‌شود نه برشته
سالی که در گوشه‌ای از برجیس لختی آسودمی دیدمی
شیطان را که از ابلیسی دست برنداشته بود:
این شکلات‌های پدرسوخته طعم قهوه‌های پدرسوخته می‌دهند
راستی چشم‌های تو یک بار قهوه — مست بود و پدرسوخته!
بر زمین قدری که متوقف شدم
از رود نیل تیک تاک تک و توکی به سراغم آمدند
روی موج موج موج دراز کشیدند
با چشم‌های نیلی و گیسوهای ترشان نیلی ترشان

حرفی برای گفتن داشتند

سگ‌ماهی‌ها نگذاشتند

در عطارده به ما چه که اسفنج‌ها فربه‌تر شده‌اند

یا در زحل اول عروس‌ماه گرفته از دهان ونوس بیرون می‌پرد

ما مریخی‌ها با فشار یک دکمه فقط کف می‌کنیم و دندان عقل

[درمی‌آوریم

نگاه‌چپ و شکاف دیوار! خجالت می‌کشیم!

و تکرر اعصابمان بند نمی‌آید.

اگر به جای بوفالو به خرس پشمالو بودم

قطعاً به موهایم زل می‌زدم در مریخ

و به ترک‌های دیوار یواشکی نگاه نمی‌کردم

یواشکی نگاه نمی‌کردم!

آبان ماه ۱۳۸۶

با چشم غول هم که به دنیا نگاه کنی

نه عنکبوت‌ها از تعصبشان دست می‌کشند

نه عقرب و مار از ارث و میراث پدریشان

و شترمست رها نمی‌کند بوته گیاهی که دیوانه‌اش کرده

قطار چه بر دیوار سفید سوت بکشد چه در گوش گرگ بیابان

زن هندی که متعلق به خال قرمز وسط پیشانی‌اش بود گفت

به من گفت:

گفت در قطار اسب اسفندیار هم پس نگرفت رم کردنش را